

هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی

الهام رسولی ثانی‌آبادی^۱

چکیده: وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، باعث تکوین هویت جدیدی برای این کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی گردید، هویتی که مهم‌ترین ساختار بین‌ذهنی قوام‌دهنده به آن، هنجارهای نشأت‌گرفته از فرهنگ ایرانی-اسلامی بود. هویتی که برای دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر وظیفه صیانت از استقلال و منافع ملی کشور در بردارنده مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی در چارچوب نقش‌های متعدد است و یک نظام ارزشی - قضاوتی و یا یک قالب فکری (پارادایم) جدید پدید آورده و بدین‌ترتیب ملاک‌های متفاوتی را برای «خودی‌ها» و «دگرها» در عرصه ملی و فراملی برای ایران ایجاد می‌کند. سؤال اصلی این مقاله آن است که آیا این هویت شکل‌گرفته که ما آن را یک هویت «انقلابی - اسلامی» می‌نامیم، در تمامی گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی یکسان بوده و یا باتوجه به عنصر تفسیر و دامنه آن، نقش‌های نسبتاً متفاوتی را برای جمهوری اسلامی ایران برانگیخته است. برای پاسخ به این سؤال در این مقاله بعد از بررسی گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی به این نتیجه خواهیم رسید که باتوجه به عنصر تفسیر و دامنه آن از محتوای معانی بین‌ذهنی قوام‌دهنده هویت نظام جمهوری اسلامی ایران، این هویت شکل‌گرفته در تمامی دوره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ثابت بوده و نقش‌های نسبتاً یکسانی را برای این دولت در صحنه نظام بین‌الملل ایجاب کرده است، اگرچه در هر دوره برای بازنمایی این نقش‌ها الگوهای متفاوتی در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، گفتمان، هویت، انقلاب اسلامی.

۱. خانم الهام رسولی ثانی‌آبادی، دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران elhamrasoli@yahoo.com

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، باعث تکوین هویت جدیدی برای این کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی گردید، هویتی که مهم‌ترین ساختار بین‌ذهنی قوام‌دهنده به آن، هنجارهای نشأت‌گرفته از فرهنگ ایرانی-اسلامی بود. هویتی که برای دولت جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر وظیفه صیانت از استقلال، آزادی و منافع ملی کشور، دربردارنده مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی در چارچوب نقش‌های متعدد فراملی است و یک نظام ارزشی - قضاوتی و یا یک قالب فکری جدید پدید آورده است. این هویت شکل گرفته که ما در این مقاله آن را یک هویت «انقلابی-اسلامی» می‌نامیم ملاک‌های متفاوتی را برای «خودی‌ها» و «دگرها» در عرصه ملی و فراملی ایجاد می‌کند که براساس همین ملاک‌ها مرز میان دوست و دشمن ترسیم شده و وقایع بیرونی نیز تعبیر و تفسیر می‌شود (Moshirzadeh, 2010: 156-157). طبق این برداشت جهان بیرون کاملاً دو وجهی و دوگانه است و به دارالاسلام و دارالکفر و یا قلمرو مستضعفان و مستکبران تقسیم می‌شود. در این میان ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام و یا الهام‌بخش جهان اسلام و غرب و به‌خصوص آمریکا به‌عنوان نماد استعمار، توسعه‌طلبی، بی‌عدالتی، جهان‌خواری و به طور کل نماد باطل تعریف می‌شود (Moshirzadeh, 2010: 156-157). بنابراین غرب به عنوان «دگر» در برابر «خود» امت اسلامی می‌شود،^۱ دگری که دارای ماهیتی توسعه‌طلبانه، غارتگرانه و سرکوب‌گرانه است (Moshirzadeh, 2010: 176).

در این مقاله برای شناخت دقیق‌تر این هویت و همچنین نقش‌های مبتنی بر آن، ابتدا به بررسی گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم و با تأکید و در نظر گرفتن عنصر تفسیر و دامنه آن از محتوای معانی بین‌ذهنی قوام‌دهنده هویت نظام جمهوری اسلامی ایران، به بیان این نکته می‌پردازیم که این هویت شکل‌گرفته در مدیریت سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران از زمان وقوع انقلاب تا به حال ثابت بوده و نقش‌های نسبتاً یکسانی را برای ایران اسلامی

۱. به نظر مشیرزاده شعار «نه شرقی نه غربی» به عنوان شعار مسلط سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که قدرت‌های شرقی نیز به مانند قدرت‌های غربی کمابیش به عنوان «دگر» نظام جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شوند (Moshirzadeh, 2010: 176). در همین رابطه امام خمینی (ره) در موضعی صریح اعلام می‌نماید: «آمریکا بدتر از انگلیس، انگلیس بدتر از آمریکا و شوروی از هر دوی این‌ها بدتر است» (اطلاعات، ۱۳۶۲/۵/۶).

در صحنه نظام بین‌الملل ایجاب کرده است، اگرچه در هر دوره برای بازنمایی این نقش‌ها الگوهای متفاوتی در نظر گرفته شده است.

هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان مصلحت‌محور واقع‌گرا

لارسون گفتمان سیاست‌خارجی را به معنای نظام و ساختار معنایی حاکم بر این سیاست می‌داند که شیوه خاصی از رفتار را ممکن ساخته و در چارچوب همین نظام و ساختار معنایی است که سیاست خارجی یک کشور معنا پیدا می‌کند (Larsen, 1997: 17-18). در همین رابطه مشیرزاده نیز گفتمان را به معنای مجموعه‌ای از بیانی‌های به هم مرتبط شامل مفاهیم و مشابهت‌هایی می‌داند که جهان را معنادار ساخته و یا به عبارتی جهان را می‌سازند (Moshirzadeh, 2007: 522).

اولین گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با نام‌هایی چون: مصلحت‌محور یا واقع‌گرا (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۰)، عدم تعهد ملت‌گرایانه (Ramazani, 1990: 45) و یا محافظه‌کاری، مورد شناسایی قرار داده‌اند. در این دوران از سیاست خارجی که به گفته ازغندی با نخست‌وزیری مهندس بازرگان و حاکمیت دولت موقت آغاز می‌شود و با اشغال سفارت ایالات متحده توسط دانشجویان ایرانی و استعفای دولت موقت به پایان می‌رسد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۱)، دولت جمهوری اسلامی ایران براساس هویت انقلابی-اسلامی خود، نقش یک دولت «مستقل و غیرمتعهد» را برای خود تعریف کرده و در راستای همین نقش هویتی و براساس استراتژی «نه شرقی نه غربی» به عنوان جهت‌گیری اصلی سیاست‌خارجی دست به اقداماتی همچون کناره‌گیری از پیمان سنتو در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۶، قطع رابطه با مصر در پی انعقاد پیمان کمپ دیوید با اسرائیل در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۱، لغو قرارداد کاپیتالاسیون و کلیه مصونیت‌ها و معافیت‌های حاصل از آن با آمریکا در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۰، فسخ فصل‌های پنجم و ششم عهدنامه مودت ۱۹۲۱ با ایران و روسیه در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۰ و نهایتاً عضویت در جنبش غیرمتعهدها زد.^۱

با این اقدامات دولت جدید جمهوری اسلامی ایران سیاست عدم‌تعهد خود را که خواهان کسب استقلال همه‌جانبه در سیاست‌گذاری‌های خارجی و پایان‌دادن به وابستگی به یکی از دو بلوک ایدئولوژیک بود، عملی کرد (صدری، ۱۳۸۱: ۴۴۶). در

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد سیاست‌های بازرگان بنگرید به: (غرایاق زندی، ۱۳۸۷: ۲۸۰-۳۰۶).

سطح مواضع اعلانی جمهوری اسلامی ایران نیز رهبران این دولت به تأکید بر آن پرداختند. در این رابطه می‌توان به موضع صریح کریم سنجابی اولین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که در موضعی صریح اعلام می‌کند: «کشور ما به‌راستی خواهان داشتن روابط دوستانه با همسایه شمالی/ شوروی است، اما ما به هیچ‌وجه اجازه نخواهیم داد سوابق ناخوشایندی چون درخواست امتیاز نفت شمال، مطالبات ارضی و... تکرار شود. ما از استقلال، تمامیت ارضی و یک‌پارچگی ایران به هر قیمتی شده دفاع می‌کنیم... (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۱).

اما نکته قابل توجه آن است که در نظر رهبران دولت موقت مستقل بودن ایران به معنای تجدیدنظرطلبی این کشور، مبارزه با امپریالیسم و همچنین به چالش کشیدن نظم موجود در روابط بین‌الملل نبود و بعدی کاملاً تدافعی و محافظه‌کارانه داشت. در همین رابطه مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت در مورد سیاست عدم‌تعهد دولت جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد: «منظور از این سیاست و همچنین شعار نه شرقی نه غربی، استقلال همه جانبه ایران در برابر بیگانگان و ابرقدرت‌ها و عدم اتکا به بلوک شرق و غرب چه به لحاظ سیاسی، اقتصادی و یا اقتباسی ایدئولوژی است (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۰۴). که این لزوماً مبارزه با امپریالیسم را در بر نمی‌گیرد (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۱۴). بنابراین، به گفته دهقانی فیروزآبادی برای دولت موقت اولین اولویت و ضرورت آن بود که دولت اسلامی ایران به عنوان یک دولت مستقل در صحنه نظام بین‌الملل ظاهر شود و سپس در صورت امکان به مبارزه با نظام سلطه بپردازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۵۲) و این خود به معنای آن است که در این دوران از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که البته دوران بسیار کوتاهی نیز به شمار می‌رود، در عین حالی که هویت انقلابی- اسلامی کشور شکل گرفته است، اما تفسیر دولت موقت از منابع این هویت و نقش‌های مبتنی بر آن، نسبتاً ملایم و آرام است. در همین رابطه می‌توان به گفته خود بازرگان اشاره کرد که هدف دولت موقت را خدمت به ایران از طریق اسلام و به دستور اسلام می‌دانست و نه خدمت به اسلام از طریق ایران (بازرگان، ۱۳۶۳: ۸۷).

البته در این دوران براساس هویت جدیدی که جمهوری اسلامی ایران برای خود تعریف کرده و براساس آن مرزهای میان «خودی‌ها» و «دگرها» را ترسیم کرده بود، غرب و به‌خصوص آمریکا به عنوان «دگر» اصلی این نظام شناخته می‌شد که رهبری انقلاب امام خمینی (ره) براساس واژه‌هایی چون «شیطان بزرگ» و یا «جهان‌خوار بزرگ» آن را بازنمایی می‌کرد. به عنوان مثال ایشان در موضعی صریح اعلام می‌کند: «تمامی رفتاری‌های ما از این اجانب غربی است، از این آمریکاست، تمامی

گرفتاری‌های مسلمین از آمریکا، آمریکا، آمریکایی که صهیونیسم را تقویت کرده که برادران مسلمان ما را فوج فوج می‌کشند» (اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۷).

هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان ارزش‌محور آرمان‌گرا

دومین گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که بیشتر با نام‌هایی چون رویارویی آرمان‌گرایانه (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۷) و یا ارزش‌محور آرمان‌گرا (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۴) شناخته می‌شود، دوره‌ای را در بر می‌گیرد که به گفته رضانی با تصرف سفارت ایالات متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ آغاز و به گفته ازغندی تا سال ۱۳۶۸ بر سیاست خارجی این کشور حاکم است (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۴). در این دوران همان گونه که خواهیم دید، از منابع هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران تفاسیر به شدت رادیکال و آرمان‌گرایانه‌ای صورت گرفته و براساس همین تفاسیر این کشور نقش‌های متفاوت هویتی را به طور هم زمان در عرصه فراملی عهده‌دار می‌گردد. در این باره تاجیک معتقد است که در این دوران برداشت و تفسیر بسیار تهاجمی از «سیاست عدم تعهد» صورت گرفته و جمهوری اسلامی ایران با به چالش کشیدن دو اردوگاه شرق و غرب، تجدیدنظرطلبی در ساختار نظام بین‌الملل و همچنین تمایل به صدور انقلاب، ابعاد آرمانی هویت انقلابی - اسلامی خود را به نمایش می‌گذارد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۷۲). بنابراین اگر در دوران قبل، هنجار عدم وابستگی به بیگانگان براساس قاعده نفی‌سبیل از ویژگی و برجستگی خاصی برخوردار بود، در این دوران هنجارها و آموزه‌هایی چون ایجاد نظم جهانی اسلامی و تلاش برای وحدت اسلامی، مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، پایداری و مقاومت و همچنین جهاد در راه خدا و شهادت‌طلبی از اهمیت و تفسیر خاصی برخوردار می‌گردد. در همین رابطه دهقانی فیروزآبادی بیان می‌کند که جمهوری اسلامی ایران در این دوران همچنان نقش یک دولت مستقل و تجدیدنظرطلب را بازی می‌کرد اما با تفسیری رادیکال و بسیار متفاوت، به این معنا که جهت‌گیری عدم‌تعهد در این دوران ماهیتی کاملاً تهاجمی و تجدیدنظرطلبانه داشت و علاوه بر تلاش برای کوتاه کردن دست بیگانگان در داخل، مبارزه با استعمار و نظام سلطه در بیرون را نیز در برداشت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱: ۷۵).

بدین ترتیب در این دوران تفاسیر رادیکال از منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران برای این کشور متضمن نقش‌های فراملی متفاوتی بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: تلاش در جهت دگرگونی و فروپاشی نظم موجود بین‌الملل و جایگزینی

آن با نظم جدید اسلامی، تلاش برای مقابله با استکبار و استعمار جهانی، تلاش برای حمایت از مستضعفین و جنبش‌های آزادی بخش، تلاش برای مقابله با صهیونیسم و نهایتاً تلاش برای رهبری جهان اسلام و صدور انقلاب. به عنوان مثال، در ارتباط با مقابله با نظام سلطه و حمایت از مستضعفین و نهضت‌های رهایی‌بخش وزیر امور خارجه وقت هنگام تشریح خطوط کلی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند: «وزارت امور خارجه همان‌گونه که در برنامه دولت نیز مطرح شد، در جهت مبارزه با استکبار جهانی به عنوان یک اصل حرکت خواهد کرد و به ندای مظلومانه‌ای که از میان ملل مستضعف بلند می‌شود، پاسخ مثبت خواهد داد و به نهضت‌های آزادی‌بخشی که در راه حق مبارزه می‌کنند، کمک خواهد کرد... ما باید تلاش کنیم تا سیاست خارجی‌مان را در جهت کمک برای آزادی فلسطین اشغال شده شکل دهیم... (اطلاعات، ۱۳۶۰/۴/۱۵)».

یکی دیگر از مهم‌ترین مشخصه‌های هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران در این دوران، مطرح شدن این کشور به عنوان یک کشور صادرکننده انقلاب در نظام بین‌الملل بود، امری که به گفته رضانی باعث شد تا کشورهای همسایه، آن را به عنوان یک کشور تهدیدگر و برهم زننده ثبات منطقه بازنمایی کنند (Ramazani, 1986: 176).

در همین رابطه علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند: «دولت اسلامی از طریق صدور انقلاب، نه تنها موظف به تلاش و اقدام در جهت دگرگون ساختن پایه‌های قدرت‌های ظالم و روابط ظالمانه جهانی است بلکه اساساً امنیت واقعی و حیاتی مطلوب در سایه این تغییر تأمین می‌شود» (ولایتی، ۱۳۶۵: ۳). براساس این نقش هویتی بود که دولت جمهوری اسلامی ایران مناطقی همچون خلیج فارس، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، افغانستان، لبنان، عراق و مصر را به عنوان مناطقی که می‌توانست انقلاب خود را به آن‌ها صادر کند، در نظر گرفت.^۱ چرا که در این دوران براساس تفسیری که از اصل «حفظ مصلحت دولت اسلامی» می‌شد، دولت جمهوری اسلامی ایران باید برای حفظ ارزش‌ها و قواعد اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانه در آن، به صدور انقلاب خود پردازد.^۲

۱. برای توضیحات بیشتر درباره صدور انقلاب در این مناطق بنگرید به:

(اسپوزیتو، ۱۳۸۲، 53: Ramazani, 1990).

۲. براساس همین نقش هویتی بود که به گفته رضانی تنها متحد ایران در منطقه خاورمیانه کشور سوریه بود و دیگر کشورهای منطقه به خاطر برداشتی که از دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت تجدیدنظرطلب و صادرکننده انقلاب داشتند، به درجات مختلف احساس خطر کرده و شش دولت عرب حاشیه خلیج فارس در واکنش به این خطر، شورای همکاری خلیج فارس را به عنوان یک سازوکار حمایتی در سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) میان خودشان ایجاد کردند (Ramazani, 1986: 124).

در این دوران دولت جمهوری اسلامی ایران همچنین براساس هویت انقلابی - اسلامی خود و مبانی هویتی آن همچون عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان نماد ظلم و بی‌عدالتی بازنمایی کرده و در مواضع اعلامی و اعمالی خود این سازمان‌ها و تصمیمات آن‌ها را به خصوص در جریان جنگ با عراق، به چالش می‌کشید.

در همین رابطه علی‌خرّم بیان می‌کند که در این دوران جمهوری اسلامی ایران در راستای به چالش کشیدن نظم بین‌المللی، سازمان‌های آن را نیز به عنوان عوامل امپریالیسم و ابزار نابرابری و بی‌عدالتی می‌پنداشت و کمترین تعاملی با آن‌ها نداشت (خرّم، ۱۳۸۵: ۳۳۵). داوود آقایی نیز در مقاله خود که در ارتباط با روابط ایران با سازمان کنفرانس اسلامی است بیان می‌کند که در دهه اول انقلاب، روش انقلابی و رادیکال جمهوری اسلامی ایران با روش سازش‌کارانه و محافظه‌کارانه این سازمان در تضاد کامل قرار داشته و منجر به یک دوران رکود در روابط میان آن‌ها شده بود (آقایی، ۱۳۸۵: ۳۵۱).

براساس این نقش‌های هویتی و سیاست‌های مبتنی بر آن، واکنش نظام بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران برانگیخته شد و منجر به جنگ عراق با این کشور در شهریور ۱۳۵۹ گردید. با وقوع این جنگ و شرایط و مشکلات ناشی از آن به‌عنوان یک متغیر مهم محیطی، تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران به تفاسیر آرام‌تری از منابع هویتی کشورشان پرداخته و در همین راستا براساس تفسیری که از اصل «حفظ مصلحت نظام اسلامی» به عمل آوردند، در نقش‌های هویتی این دولت کمی تعدیل ایجاد کرده و «ام‌القری بودن جهان اسلام» را به عنوان یک مشخصه هویتی جدید برای آن مطرح کردند.

طبق این نقش هویتی دولت جمهوری اسلامی ایران برای حفظ مصلحت نظام اسلامی نگاه خود را از امت اسلامی و خواسته‌های آن به مرکز این امت متمرکز می‌کرد (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۴). چرا که طبق نظریه ام‌القری همواره مصالح امت اسلامی اولویت دارد، مگر آن که هستی ام‌القری که حفظ آن بر همه امت اسلامی واجب است، با خطر مواجه گردد (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۴۹).

بنابراین در جنگ ایران و عراق نیز، به دلیل آن که ایران به عنوان مرکز امت اسلامی با مشکلات ناشی از جنگ روبرو بود، در جهت «حفظ مصلحت اسلامی» باید ابتدا به حراست از خود پرداخته و در صورت امکان به مشکلات و خواسته‌های امت اسلامی بپردازد.

هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان عمل‌گرایی

با پایان جنگ ایران و عراق و روی کار آمدن کابینه سازندگی به ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی گفتمانی بر سیاست خارجی ایران حاکم شد که آن را با نام‌هایی چون منفعت‌محور - اصلاح‌طلبی اقتصادی (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۵)، سازش‌جویی واقع‌بینانه (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۸) و یا عملگرایی، می‌شناسند. در این دوران همان‌گونه که به آن خواهیم پرداخت، با توجه به تغییراتی که در شرایط بیرونی و همچنین شرایط داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله فروپاشی نظام دوقطبی، پایان جنگ و نیاز به بازسازی مناطق جنگی و احیای اقتصادی و... ایجاد شده بود (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۹-۷۰)، رهبران این کشور با تأکید و برجسته‌سازی قاعده «حفظ مصلحت نظام اسلامی» و مطابق با تفسیری که از این اصل به عمل آوردند، در جهت تطابق با قواعد موجود در صحنه نظام بین‌المللی پرداخته و الگوهای متفاوتی را برای برخی از نقش‌های هویتی خود ارائه کردند.^۱

در این دوران نیز هنجارها و قواعدی چون نفی وابستگی به بیگانه براساس قاعده نفی‌سبیل و استقلال‌خواهی ایرانیان، تلاش برای وحدت اسلامی، عدالت‌خواهی و نهایتاً مبارزه با ظلم و ستم، اهمیت خاصی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی داشتند، اما به‌واسطه ایجاد شرایط جدید در عرصه داخلی و بین‌المللی، نخبگان سیاست خارجی تصمیم گرفتند تا برای تطابق با محیط بین‌المللی، براساس تفاسیر آرام‌تری که از این هنجارها و قواعد داشتند، الگوهای متعادل‌تری را برای نقش‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران تعریف کنند.^۲

۱. البته این به معنای عدول از اصول انقلابی- اسلامی شکل‌دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران نیست. همان‌گونه که بیان شد، هویت دولت جمهوری اسلامی ایران در تمامی گفتمان‌های سیاست خارجی یکسان بوده و تنها تفاوت در دامنه تفسیر از قواعد و هنجارهای شکل‌دهنده به آن و همچنین در نظر گرفتن الگوهای متفاوت برای نقش‌های هویتی است. در همین زمینه آیت ... خامنه‌ای در موضعی صریح بیان می‌کند: «ملت و مسئولان ما به هیچ‌وجه ارزش‌های انقلابی را مورد معامله قرار نمی‌دهند» (اطلاعات، ۱۳۶۹/۹/۸). هاشمی رفسنجانی نیز در بیانی مشابه آرمان‌خواهی و حفظ ارزش‌های انقلابی را از سیاست‌های تغییرناپذیر جمهوری اسلامی ایران ذکر می‌کند (اطلاعات، ۱۳۷۱/۶/۱).

۲. در همین زمینه حاجی‌یوسفی بیان می‌کند که پایان نظام دوقطبی شرایط بسیار متفاوتی را به لحاظ امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران نسبت به دوران قبل به وجود آورده بود که این امر موجب تغییر سیاست خارجی ایران از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی و ائتلاف‌سازی گردید (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۶).

بنابراین در گفتمان جدید، جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم این که همچنان خود را به دنیای خارج به عنوان یک دولت مستقل و غیر متعهد معرفی می‌کند، اما تفسیر بسیار متفاوت و ملایمی را از شعار «نه شرقی نه غربی» ارائه می‌دهد. تفسیری که مطابق با آن استقلال و عدم وابستگی لزوماً به معنای گسستن روابط با دنیای خارج نیست. در همین رابطه علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه دوره سازندگی بیان می‌کند: «اصل نه شرقی نه غربی به معنای نفی رابطه با جهان نیست، البته ما با سلطه مخالفیم، اما از داشتن رابطه برابر با تمامی جهان به غیر از مصر و کشورهای تروریست و نژادپرست استقبال می‌کنیم» (ولایتی، ۱۳۶۵: ۲۱). بنابراین در این دوران براساس تفسیری که از اصل «مصلحت نظام اسلامی» در جهت حفظ ام‌القرا و همچنین «قاعده نفی سبیل» صورت می‌گیرد، دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آن که خود را به عنوان یک کشور مستقل به جهان خارج معرفی می‌کند، می‌تواند در جهت بازسازی کشور و تبدیل شدن به یک الگوی کامل دولت اسلامی به تعامل با محیط نیز بپردازد. در همین رابطه آیت ا... خمینی در پیامی به سران سه قوه در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۱۱ اعلام می‌کند: «من با اطمینان بیان می‌کنم که بازسازی و سازندگی به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و غرب نیست و ایران همچنین به عنوان یک دولت مستقل و غیرمتعهد در صحنه نظام بین‌الملل می‌باشد».

از سوی دیگر، در این دوران دولت جمهوری اسلامی ایران، براساس الگوی متفاوتی که از «مستقل بودن» ارائه می‌دهد، به توسعه روابط با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس،^۱ برقراری پیوندهای دوجانبه با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز^۲ و همچنین عادی‌سازی روابط و تشنج‌زدایی با نهادها و سازمان‌هایی چون اتحادیه اروپا، جنبش عدم تعهد، سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی پرداخت.^۳

یکی دیگر از نقش‌های مهم هویتی که در گفتمان قبلی براساس هنجار تلاش برای وحدت اسلامی برای جمهوری اسلامی ایران تعریف شده بود، مطرح شدن این دولت به عنوان «دولت صادرکننده انقلاب» بود، که براساس تفاسیر رادیکالی که از این هنجارها و نقش هویتی مبتنی بر آن صورت گرفته بود، این دولت برای جامعه بین‌المللی به‌مثابه یک خطر و یک دولت تجدیدنظرطلب بازنمایی شده که باید با اقدامات حمایتی

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره بنگرید به: (رمضانی، ۱۳۸۶: ۹۸-۸۸).

۲. برای مطالعه بیشتر در این باره بنگرید به: (رمضانی، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۹۸).

۳. برای مطالعه بیشتر در این باره بنگرید به: (خرم، ۱۳۸۵: ۳۴۵، آقایی، ۱۳۸۵: ۳۶۱، احتشامی، ۱۳۷۸: ۴۶-۵۳).

و تدافعی جلوی آن گرفته می‌شد. نمونه این اقدامات را می‌توان در تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و یا جنگ ایران و عراق مشاهده کرد. اما برعکس گفتمان قبل، در گفتمان فعلی براساس تفسیر متفاوتی که از این هنجار هویتی و همچنین «اصل حفظ مصلحت دولت اسلامی» می‌شد، الگوی صدور انقلاب نیز بسیار متفاوت شده و دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان «رهبر جهان اسلام» باید از طریق توسعه اقتصادی و ارائه مدل نوسازی به الگویی در جهان اسلام بدل شود و از این راه انقلاب خود را صادر کند. در همین زمینه رئیس‌جمهوری وقت، هاشمی رفسنجانی اعلام می‌کند: «جهان اشتباه فکر می‌کند که ما می‌خواهیم از طریق جنگ انقلابمان را به دیگر کشورها صادر کنیم، ما می‌خواهیم الگوی یک کشور اسلامی را از طریق استقلال اقتصادی، علمی، فنی و تکنولوژیک به جهان ارائه کنیم» (اطلاعات، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴). وی همچنین در موضعی دیگر بیان می‌کند: «اگر ما از نظر اقتصادی قوی باشیم، حرفمان در جهان خریدار خواهد داشت. ما وقتی می‌توانیم پایگاه خوبی برای تفکر اسلامی باشیم که خود را به‌گونه‌ای بسازیم که نقطه ضعفی نداشته باشیم» (اطلاعات، ۱۳۷۱/۵/۹). در این دوران اعتقاد بر آن است که اگر جمهوری اسلامی ایران به توسعه اقتصادی برسد، خود به خود انقلابش صادر می‌شود.^۱

از دیگر نقش‌های هویتی که در گفتمان قبلی برای جمهوری اسلامی ایران براساس هویت انقلابی - اسلامی آن تعریف شده بود، نقش یک دولت ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه بود که در جهت وحدت امت اسلامی، ترتیبات موجود در نظام بین‌المللی را به رسمیت نشناخته و خواهان جایگزینی آن با یک نظم جهانی اسلامی و عادلانه بود. در گفتمان جدید سیاست خارجی این نقش هویتی نیز مورد تعدیل قرار گرفت و رهبران جمهوری اسلامی ایران اگرچه هنوز هم در مواضع اعلامی خود نظام بین‌المللی را ناعادلانه می‌پنداشتند، اما معتقد بودند که این نظم ناعادلانه باید در بلندمدت، در قالب اهداف راهبردی و به صورت تدریجی و مسالمت‌آمیز و نه به صورت انقلابی اصلاح شود. بنابراین در این دوره اگرچه به گفته ازغندی جمهوری اسلامی ایران همچنان خود را موظف به دفاع از مسلمانان جهان و نهضت‌های آزادی بخش می‌بیند. اما بنا به تفسیری که از اصل «حفظ مصلحت دولت اسلامی» می‌شود، دولت ایران به اندازه قدرت و توانایی خود را مکلف به انجام این کار می‌کند (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۷).

۱. به گفته تاجیک رهبران جمهوری اسلامی ایران در این دوران معتقدند که مقصود از صدور انقلاب آن است که مسلمانان جهان داوطلبانه و آزادانه از الگوی حکومت اسلامی ایران پیروی کنند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹۲).

در همین راستا استکبارستیزی به‌مثابه جنگ و رویارویی مستقیم نیست، بلکه در بر گیرنده مخالفت اعلانی با سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن‌ها به‌ویژه در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه است.

هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان فرهنگ‌گرایی سیاست محور

چهارمین گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۶) که با نام‌هایی چون فرهنگ‌گرایی سیاست‌محور (ازغندی، ۱۳۸۴: ۴۵) و یا صلح‌گرایی مردم‌سالار اسلامی (رمضانی، ۱۳۸۶: ۷۴) شناخته می‌شود، دوران هشت ساله ریاست جمهوری محمد خاتمی را در بر می‌گیرد. در این دوران نخبگان سیاست خارجی با تفاسیری آرام و موسع از منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص هنجار «حفظ مصلحت نظام اسلامی»، به تطابق با محیط و پذیرش هنجارهای موجود در آن پرداخته و در همین راستا حضور فعالی در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایفا کردند. در این دوران مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران سعی نمودند به عنوان یک دولت صلح طلب و سرمشق در میان دولت‌های اسلامی، الگوی متفاوتی از صدور انقلاب ارائه نمایند.

به عبارت دیگر در گفتمان جدید سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران، باتوجه به عنصر تفسیر، الگوی صدور انقلاب قدری متفاوت می‌شود و رئیس جمهوری ایران بر این اعتقاد است که ایجاد مردم‌سالاری سازگار با دین و معنویت در این کشور می‌تواند به عنوان یک الگو برای افکار عمومی دنیای اسلام بسیار مؤثر باشد و بدین ترتیب دولت جمهوری اسلامی ایران نقش هویتی خود مبنی بر «دولت سرمشق و الهام‌بخش جهان اسلام» را به خوبی ایفا کند. طبق این برداشت نقش هویتی دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت سرمشق و نمونه به این صورت تعریف می‌شود که این دولت نه تنها در حوزه اقتصادی بلکه در حوزه فرهنگی و سیاسی هم باید بتواند مدل موفق براساس مردم‌سالاری دینی به جهان اسلام معرفی کند.^۱ بدین ترتیب ایجاد یک نظام مردم‌سالاری دینی در داخل نه تنها تأمین‌کننده اهداف ملت ایران است، بلکه به تحقق اهداف اسلامی و فراملی نیز کمک می‌کند (Holidays, 2010:3). در همین زمینه محمد خاتمی بیان می‌کند: «اسلام زمانی موفق است و زمانی

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره بنگرید به: (خاتمی، ۱۳۷۰).

می‌تواند دولت اسلامی سرمشق باشد که بتوانیم اسلام را با مردم‌سالاری و تأمین آزادی‌های اصولی مردم سازگاری دهیم» (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۵).

بنابراین در این دوران صدور انقلاب ماهیتی کاملاً نرم‌افزاری و بینادهدنی دارد و به معنای تلاش برای تحقق آرمان‌های انقلاب در داخل می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، تاجیک، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۴). در تأیید این نکته می‌توان به شعار «گفتگوی تمدن‌ها» از سوی رئیس‌جمهوری ایران در این دوران اشاره کرد که می‌توان آن را به نوعی در جهت صدور انقلاب و همچنین صدور اندیشه‌ها و آرمان‌های اسلامی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران البته به شیوه نرم‌افزاری و نه سخت‌افزاری بیان کرد.

در این دوران همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران در حالی که خود را به‌عنوان یک دولت «مستقل و غیرمتعهد» به دنیای خارج معرفی می‌کند، براساس تفسیری که از اصل «حفظ مصلحت نظام اسلامی» ارائه می‌دهد، به سیاست تنش‌زدایی^۱ با جهان خارج روی آورده و به عبارت دیگر این سیاست را در جهت «عزت، حکمت و مصلحت» دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند. در همین رابطه محمد خاتمی رئیس‌جمهوری وقت ایران بیان می‌کند که تنش‌زدایی به معنای گذشت از اصول و معیارهای اسلامی - انقلابی کشور نبوده و سیاستی است که هزینه اداره کشور را به حداقل می‌رساند (دهقانی فیروزآبادی، تاجیک، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۴).^۲

از سوی دیگر در این دوران دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان براساس مبانی هویتی خود از جمله عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، خواهان تغییر وضع موجود در نظام بین‌الملل است، اما براساس دامنه تفسیری که از مبانی هویتی ارائه می‌دهد، در صدد است تا این تغییر را به صورت مسالمت‌آمیز و در بلندمدت به انجام رساند. در همین زمینه رئیس‌جمهوری ایران محمد خاتمی در گردهمایی رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور بیان می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران نه تنها

۱. تنش‌زدایی به معنای کاهش اختلافات و منازعات در سیاست خارجی و فرایندی برای تقلیل اختلافات است که یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی محمد خاتمی را تشکیل می‌داد. برای توضیحات بیشتر در مورد سیاست خارجی خاتمی بنگرید به: (ازغندی، ۱۳۸۴: ۶۰-۴۵).

۲. البته لازم به ذکر است که تنش‌زدایی موجود در سیاست خارجی ایران در این دوران نیز براساس هویت انقلابی-اسلامی این کشور بوده و به گفته آیت‌الله خامنه‌ای رهبری نظام، شامل دولت‌های استکباری و استعماری همچون رژیم صهیونیستی و یا دولت آمریکا نشده و این فقط شامل دولت‌های غیرمتخاصم می‌گردد (بنگرید به: بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با وزیر امور خارجه و نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۷۸).

خواهان استقرار یک نظم مردم‌سالار در درون است، بلکه منادی و دعوت‌کننده نوعی دموکراسی بین‌المللی نیز هست و این به معنای رد و طرد هژمونی بین‌المللی و سلسله‌مراتب موجود در قدرت جهانی و رد هرگونه سلطه‌جویی است.» (اطلاعات، ۱۳۷۸/۹/۱۸).

بنابراین در این گفتمان نیز دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان خود را به‌عنوان یک دولت ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه به نظام بین‌الملل معرفی می‌کند، هر چند که ظلم‌ستیز بودن و عدالت‌خواه بودن ایران در این دوران بنا به تفسیری که از اصل «حفظ مصلحت دولت اسلامی» صورت می‌گیرد، بسیار متعادل‌تر و منعطف‌تر از نقش‌های هویتی مشابه آن در گفتمان‌های قبل به ویژه گفتمان دوم است و بیشتر سعی می‌شود تا از طریق سازوکارهای چندجانبه و مسالمت‌آمیز دنبال شود. در همین زمینه محمد خاتمی در هشتمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی در آذر ۱۳۷۶ بیان می‌کند: «جامعه مدنی مورد نظر ما نه سلطه‌گر است و نه سلطه‌پذیر و حق ملت‌ها را برای حاکمیت بر سرنوشت خود و دستیابی به امکانات زندگی شرافت‌مندانه به رسمیت می‌شناسد... ایران اسلامی اندیشه و پندار سلطه‌طلبی را نمی‌پذیرد و خود نیز قصد سلطه‌طلبی را ندارد» (اطلاعات، ۱۳۷۶/۹/۱۸).

در این دوران، دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان خود را به‌عنوان دولت حامی مستضعفان و مظلومان تعریف می‌کند و در این راستا کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش و رهایی‌بخش را که البته بیشتر جنبه حمایت‌های معنوی را به خود اختصاص می‌دهد، جزء اهداف سیاست خارجی خود قرار می‌دهد (Gasirowski, 2007: 128). در همین رابطه محمد خاتمی رئیس‌جمهوری ایران صراحتاً اعلام می‌دارد: «ما از حقوق غصب شده ملت مظلوم فلسطین حمایت می‌کنیم... البته در کار کشورها دخالت نمی‌کنیم... یکی از اصول جمهوری اسلامی ایران این است که حقوق هیچ ملتی پایمال نشود، چرا که این اصل مقدسی است که برایش انقلاب کردیم و به آن پایبند هستیم» (اطلاعات، ۱۳۷۶/۹/۱۸).

هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور

پنجمین گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران که با نام‌هایی چون «عدالت‌گرایی اصول‌محور» و یا «ایدئولوژیک - ارزش‌محور» (فلاحی، ۱۳۸۶: ۸۱)، شناخته می‌شود، از سال ۱۳۸۴ با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد آغاز شده است.

در این گفتمان که به گفته بسیاری از نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران بازگشتی است به گفتمان آرمان‌گرایی اولیه انقلاب اسلامی، نخبگان و تصمیم‌گیرندگان دولت جمهوری اسلامی ایران با تفسیری انقلابی از منابع و قواعد شکل‌دهنده به هویت انقلابی-اسلامی کشورشان، نقش‌های هویتی مبتنی بر این قواعد را برجسته نموده‌اند. در این گفتمان دولت جمهوری اسلامی ایران بر برخی از مشخصه‌های هویتی خود از جمله: عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی تأکید بسیاری کرده و در همین راستا بُعد عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه هویت انقلابی-اسلامی خود را بسیار برجسته نموده است. در همین رابطه یکی از مهم‌ترین رسالت‌ها و وظایف این دولت، اصلاح نظام حاکم بر جهان و مقابله با نظام سلطه براساس عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری بیان شده است، که طبیعتاً این نقش هویتی با واکنش‌های جامعه بین‌الملل و نهادهای آن نیز مواجه می‌گردد.^۱

در این گفتمان سیاست خارجی با برجسته شدن هنجار هویتی عدالت‌خواهی، دولت جمهوری اسلامی ایران «خود عدالت خواه» را در برابر «دگر سلطه‌گر» قرار داده و به این ترتیب مرزهای هویتی خود را با دنیای خارج ترسیم و تعریف می‌کند. از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی ایران همین «خود عدالت خواه» را به عنوان الگویی در جهان اسلام مورد شناسایی قرار داده و به این ترتیب این کشور یکی دیگر از نقش‌های هویتی خود مبنی بر «دولت سرمشق و نمونه در جهان اسلام» را نیز محقق می‌کند. در همین رابطه محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران بیان می‌کند: «... امروز مستقل‌ترین و آزاده‌ترین ملت‌ها ملت جمهوری اسلامی ایران است... امروز ملت ایران به الگوی کامل عدالت‌طلبی در جهان اسلام و در نظام بین‌الملل تبدیل شده است... جمهوری اسلامی ایران به وسیله تأکید بر عدالت به عنوان الگوی حیات در برابر همه ملت‌های جهان است» (احمدی نژاد، ۱۳۸۵/۱۱/۲۲).

به گفته دهقانی فیروزآبادی تأکید بر عنصر عدالت در دو وجه ایجابی و سلبی جمهوری اسلامی ایران را از خود و دیگران متمایز می‌سازد. در همین رابطه در وجه ایجابی مهم‌ترین ویژگی ممیزه این دولت تلاش برای برقراری عدالت و رفتار عادلانه در صحنه نظام بین‌الملل و در وجه سلبی شاخصه اصلی آن، مبارزه با بی‌عدالتی و ظلم در

۱. در همین زمینه گازیوروسکی در مقاله خود راجع به سیاست خارجی ایران معتقد است که این کشور در سال‌های اخیر دارای رفتار حمایتی به‌ویژه در زمینه حمایت از شیعیان عراق، حزب‌الله لبنان و مسئله هسته‌ای بوده که همه این‌ها باعث نگرانی غرب و کشورهای همسایه و بازنمایی این کشور به عنوان یک کشور تجدیدنظرطلب شده است (Gasiorowski, 2007: 125).

سطح بین‌المللی است. چرا که استقرار عدالت در دو مرحله صورت می‌گیرد: اول جنگیدن با ظالمان و دوم برقراری حکومت عدل (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۷۸). در همین رابطه محمود احمدی‌نژاد در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری خود در ۱۳۸۴/۵/۲۱، در موضعی صریح بیان می‌کند: «این دولت با تبعیت از فرهنگ ناب اسلامی با همه توان برای بسط عدالت در همه عرصه‌ها خواهد کوشید، چرا که ایران اسلامی به دنبال دستیابی همه‌ملت‌ها به صلح پایدار در سایه عدالت همه‌جانبه است». در گزارش آبان ۱۳۸۶ نیز، سخنگوی وزارت امور خارجه ضمن برشمردن دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت عدالت خواه در صحنه نظام بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخص‌های سیاست خارجی این دولت را عدالت، مهرورزی و پایداری بر اصول بر می‌شمارد^۱ (حسینی، ۱۳۸۶: ۳). بنابراین، دولت جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر هنجار و آموزه عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، آن را به همراه معنویت تنها پایه‌های ایجاد نظم و صلح پایدار در جهان دانسته و به این ترتیب میان عدالت و امنیت رابطه‌ای مستقیم برقرار و تعریف می‌کند (Gheissari, Nasr, 2005: 90).

از سوی دیگر عنصر عدالت‌خواهی در هویت انقلابی - اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران، سبب می‌شود تا این کشور در برداشت خود از نظام بین‌الملل، این نظام را تشنه عدالت و درگیر مناسبات ناعادلانه‌ای که حقوق ملت‌ها در آن تضییع می‌شود، بازنمایی کند. طبق این برداشت دولت جمهوری اسلامی ایران براساس تفسیر متفاوتی که از اصل «حفظ مصلحت نظام اسلامی» به عمل می‌آورد، برای خود نقش یک دولت رهایی‌بخش را قائل می‌شود که باید در جهت اصلاح وضع موجود و شالوده‌شکنی آن و همچنین براندازی نظام سلطه بکوشد و در راستای همین عدالت‌خواهی و رهایی‌بخشی است که این دولت به‌عنوان یک دولت تجدیدنظرطلب در نظام بین‌المللی تعریف می‌شود.^۲

۱. منوچهر متکی وزیر امور خارجه سابق جمهوری اسلامی ایران نیز عدالت را یکی از اصول محوری سیاست خارجی کشورش بیان می‌کند. وی در این رابطه بیان می‌کند: «... رویکرد عدالت‌خواهانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس دارد و به رفتار آن شکل می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت عدالت‌خواه علاقه‌مند است با کشورهای اسلامی همسو و پرچم‌دار حرکت در مسیر تحقق عدالت بین‌المللی گردد (متکی، ۱۳۸۵: ۴۲).

۲. در همین رابطه گازیوروسکی بیان می‌کند که با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری ایران، این کشور به عنوان یک کشور آرمان‌گرای اسلامی با در پیش گرفتن سیاست تجدیدنظرطلبانه با جهان خارج درصدد بر هم زدن نظم حاکم بر نظام بین‌المللی و ایجاد یک نظم جهانی اسلامی شده است (Gasiorowski, 2007: 130).

در راستای همین تجدیدنظرطلبی و شالوده‌شکنی وضع موجود است که دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نظام بین‌المللی از عملکرد و قواعد موجود در نهادهای آن نیز سلب مشروعیت کرده و به انتقاد از آنها می‌پردازد، چراکه از نظر رهبران این دولت این نهادها و سازمان‌ها بی‌عدالتی و تبعیض را در نظام بین‌الملل نهادینه می‌کنند. در همین زمینه می‌توان به انتقادات شدید محمود احمدی‌نژاد از ساختار و سازوکار سازمان ملل و به‌خصوص شورای امنیت در اجلاس مجمع عمومی اشاره کرد که به گفته او تا زمانی که نهاد شورای امنیت نتواند به نمایندگی از کل جامعه بین‌المللی و به طور شفاف، عادلانه و دموکراتیک اقدام کند، نه مشروع خواهد بود و نه کارآمد و بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که بی‌عدالتی، ظلم و زورگویی در جهان ریشه کن شود (اطلاعات، ۱۳۸۵/۶/۲۹). احمدی‌نژاد سپس در تجویزاتی سیاست‌گذارانه بیان می‌کند: «...سازمان ملل بایستی به سمت دفاع از حقوق ملت‌ها گام بردارد و از سلطه یک کشور یا مرکز بر این سازمان جلوگیری شود، برای تحقق این مهم نیازمند تحولات اساسی در ساختار سازمان ملل هستیم» (اطلاعات، ۱۳۸۵/۶/۲۹).

عدالت‌خواهی موجود در گفتمان سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران، به سلطه‌ستیزی این کشور نیز می‌انجامد و باعث می‌شود تا این مشخصه هویتی نیز از اهمیت ویژه‌ای در جهت‌گیری‌ها و اعلام مواضع این کشور برخوردار گردد. در همین رابطه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده دولت جمهوری اسلامی ایران در جمع مسئولان وزارت امور خارجه بیان می‌کند: «... رفتار نظام سلطه را به هیچ‌وجه قبول نمی‌کنیم ... در هیچ موضوعی زیر بار سلطه نمی‌رویم ... شاخصه اصلی سیاست خارجی دولت ما نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و مقابله با نظام سلطه جهانی است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۵/۳۰). منوچهر متکی وزیر امور خارجه سابق نیز یکی از اولویت‌های دولت جمهوری اسلامی ایران را مقابله با استعمار فرانو، مبارزه با ترفندهای نظام سلطه جهانی و همچنین مبارزه با انحصار قدرت در نظام بین‌الملل ذکر می‌کند (متکی، ۱۳۸۵: ۵۸).

از سوی دیگر در گفتمان جدید سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران با تفسیر نوینی که از هنجار «تلاش برای وحدت اسلامی» صورت می‌گیرد، دولت ایران مشخصه هویتی صدور انقلابش را به خصوص در عرصه سیاست‌های اعلامی بسیار برجسته و پررنگ می‌کند. در همین رابطه محمود احمدی‌نژاد بیان می‌کند: «... ان‌شاءالله

به زودی ریشه بی‌عدالتی، سلطه، استکبار و ظلم به سرآمده و امواج انقلابی انقلاب اسلامی ایران همه دنیا را در بر خواهد گرفت (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۹/۸). وی همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران را یک دولت عدالت‌خواه در نظام بین‌الملل معرفی می‌کند که دیگر دولت‌ها را نیز به عدالت و اسلام فرا می‌خواند (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۳/۱۶). در واقع براساس همین مشخصه هویتی است که دولت جمهوری اسلامی ایران درصدد است تا نقاط مقاومت در سطح نظام بین‌الملل را از طریق تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی و تقویت همکاری با کشورهای مستقل و غیرمتعهد، علیه یک‌جانبه‌گرایی موجود در این نظام بسیج کند.

نتیجه‌گیری

اصلی‌ترین هدف این مقاله پرداختن به این سؤال اساسی بود که آیا هویت شکل گرفته در نظام جمهوری اسلامی ایران در تمامی گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی یکسان بوده و یا با توجه به عنصر تفسیر و دامنه آن، نقش‌های نسبتاً متفاوتی را برای این دولت در صحنه داخلی و یا بین‌المللی برانگیخته است.

برای پاسخ به این سؤال، در این مقاله به نقش‌هایی که دولت جمهوری اسلامی ایران در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی برای خود تعریف کرده است، پرداختیم و با تأکید و در نظر گرفتن عنصر تفسیر و دامنه آن از محتوای معانی بینادذهنی قوام‌دهنده هویت نظام جمهوری اسلامی ایران (هنجارهای نشأت‌گرفته از فرهنگ ایرانی-اسلامی) به این نتیجه رسیدیم که این هویت شکل گرفته در تمامی دوره‌های سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از وقوع انقلاب تا به حال ثابت بوده و نقش‌های نسبتاً یکسانی را برای این دولت در صحنه نظام بین‌الملل ایجاب کرده است، اگرچه در هر دوره برای بازنمایی این نقش‌ها الگوهای متفاوتی در نظر گرفته شده است.

به عبارت دیگر، در هر یک از دوره‌های سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران، برخی از آموزه‌ها و هنجارهای بینادذهنی شکل‌دهنده به هویت این نظام مهم‌تر از بقیه تلقی شده و به همان نسبت آن بعد هویتی نیز برجسته‌تر شده است. به عنوان مثال در تفسیر آرمان‌خواهانه، رادیکال و حداکثری از منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران، این دولت بدون توجه به مقدمات و محذورات داخلی و بین‌المللی برای خود نقش‌های متفاوت فراملی قائل شده و به گفته دهقانی فیروزآبادی در کنار منافع ملی نقش مصالح اسلامی را نیز برجسته می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۸).

در پایان می‌توان این‌گونه بیان کرد که در تفسیرهای متفاوت از منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان طیفی از دامنه تفسیر را در نظر گرفت که یک سر آن در برگیرنده تفاسیر کاملاً متفاوت با هنجارها و ساختارهای معنایی نظام بین‌الملل می‌باشد که در این شرایط ما با بروز رفتار تهاجمی و غیرانطباق‌گرایانه از سوی دولت روبرو هستیم و در سر دیگر طیف با تفاسیری روبرو هستیم که تا حد امکان با هنجارها و نرم‌های موجود در نظام بین‌الملل سازگار بوده و نهایتاً موجب رفتارهایی سازش‌کارانه و منطبق‌گرایانه در سیاست خارجی دولت در صحنه نظام بین‌الملل می‌شود. این انعطاف‌پذیری و پویایی عمل‌گرایانه یکی از رموز موفقیت و ثبات سیاسی-اجتماعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در محیط بحران‌زده خاورمیانه می‌باشد.

منابع فارسی

۱. آقایی، داوود (۱۳۸۵)، «رابطه ایران با سازمان کنفرانس اسلامی» در **نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، (گردآوری: نسربین مصفا)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: قومس.
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، **چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: قومس.
۴. احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، **سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی**، مترجم: ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۷.
۶. اطلاعات، ۱۳۶۰/۴/۱۵.
۷. اطلاعات، ۱۳۶۲/۵/۶.
۸. اطلاعات، ۱۳۷۰/۱۱/۱۴.
۹. اطلاعات، ۱۳۷۱/۵/۹.
۱۰. اطلاعات، ۱۳۷۶/۹/۱۸.
۱۱. اطلاعات، ۱۳۷۸/۹/۱۸.
۱۲. اطلاعات، ۱۳۸۵/۶/۲۹.
۱۳. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲)، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، تهران: باز.
۱۴. بازرگان، مهدی (۱۳۶۳)، **انقلاب ایران در دو حرکت**، تهران: بی‌نا.
۱۵. «بیانات رهبری در سال ۱۳۸۶» (۱۳۸۹) در www.leader.ir (۱۳۸۹/۷/۱).
۱۶. «بیانات محمود احمدی نژاد در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۸» در www.irna.ir (۱۳۸۹/۷/۱).

۱۷. «بیانات محمود احمدی نژاد در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۲» در www.irna.ir (۱۳۸۹/۷/۱).
۱۸. «بیانات محمود احمدی نژاد در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۱۶» در www.irna.ir (۱۳۸۹/۷/۱).
۱۹. تاجیک، محمدرضا، جلال دهقانی فیروزآبادی، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران» راهبرد، ش ۲، (۱۳۸۲)، صص ۴۵۸-۴۳۸.
۲۰. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، سیاست خارجی: عرصه فقدان تصمیم و تدبیر؟، تهران: گفتمان.
۲۱. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران: وزارت امور خارجه.
۲۲. حسینی، محمد (۱۳۸۶)، بررسی مولفه‌های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم، تهران: مرکز پژوهش‌ها و اسناد ریاست جمهوری.
۲۳. خاتمی، محمد (۱۳۷۰)، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت. تهران: طرح نو.
۲۴. خاتمی، محمد (۱۳۷۹)، انسان، ملتقای مشرق جان و مغرب عقل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۵. خرم، علی (۱۳۸۵)، «ایران و سازمان‌های بین‌المللی» در نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (گردآوری: نسرین مصفا)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۳، (۱۳۸۱)، صص. ۸۹-۶۷.
۲۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۴)، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ایران.
۲۸. دهقانی فیروزآبادی، جلال، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، دو فصلنامه دانش سیاسی، ش ۵، (۱۳۸۶)، صص. ۹۹-۶۸.
۲۹. رضانی، روح‌ا... (۱۳۸۶)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مترجم: علیرضا طیب. تهران: نشرنی.
۳۰. صدری، هومن، «جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» مطالعات راهبردی، ش ۲، (۱۳۸۱)، صص. ۴۶۱-۴۴۶.
۳۱. غزالی‌زندی، داوود، «اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» در مطالعات راهبردی، ش ۲، (۱۳۸۷)، صص. ۳۰۶-۲۸۰.
۳۲. فلاحی، سارا، «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست‌جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ش ۱، (۱۳۸۶)، صص. ۱۱۵-۹۳.
۳۳. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۳۴. متکی، منوچهر (۱۳۸۵)، سیاست خارجی دولت نهم. تهران: مرکز مطالعات خاورمیانه.

۳۵. نورتون، ریچارد، «لبنان، جنگ داخلی و ارتباط با ایران»، در **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، تهران: باز، (۱۳۸۲)، صص. ۱۵۷-۱۳۰.
۳۶. ولایتی، علی‌اکبر، «سرآغاز» در **سیاست خارجی**، ش. ۱، (۱۳۶۵)، صص. ۲۱-۳.

منابع انگلیسی

1. Gasiorowski, M., "The New Aggressiveness in Iran's Foreign Policy", **Middle East Policy**, No. 2, (2007), 125-140.
2. Gheissari A. and Nasr, V., "The Conservative Consolidation in Iran", **Survival**, Vol. 47, (2005), 90-112.
3. Hollidays, S., "Khatami's Islamist-Iranian Discourse of National Identity: A Discourse of Resistance", **British Journal of Middle Eastern Studies**, Vol. 37, (2010), 1-13.
4. Larsen, Henrik (1997), **Foreign Policy and Discourse Analysis: France, Britain, and Europe**. London: Routledge.
5. Moshirzadeh, H., "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", **Security Dialogue**, Vol. 38, (2007), No. 4, 521-543.
6. Moshirzadeh, H., "Domestic Ideational of Iran's Foreign Policy", **Iran Review of Foreign Affairs**, Vol. 1, (2010), No. 1, 152-171.
7. Mirbaghari, F., "Shiism and Iran's Foreign policy", **The Muslim World**, Vol. 94, (2004), No. 3, 555-570.
8. Ramazani, R.K (1986), **Revolutionary Iran: Challenge and Responses in Middle East**. Baltimore: The John Hopkins University Press.
9. Ramazani, R.k., (1990), "Iran's Export of Revolution" in **the Iranian Revolution: its Global Impact**. Maimi: Florida University
10. Ramazani, R.K., "Reflections on Iran's Foreign Policy", **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 1, (2010), No. 1, 11-43.